

اصول و روش‌های همزیستی پیروان مذاهب از منظر قرآن و حدیث

مهدی عبادی^۱

سهیل عمران^۲

چکیده

همزیستی مسالمت‌آمیز به ویژه در جوامعی که تنوع فرهنگی و مذهبی وجود دارد، یکی از ضرورت‌های اولیه برای حفظ وحدت، انسجام و امنیت و همچنین پیشگیری از تفرقه و نفوذ دشمنان به حساب می‌آید. در این تحقیق با رویکرد توصیفی تحلیلی، آموزه‌های اسلامی از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شدند تا با تبیین اهمیت و جایگاه همزیستی در قرآن و سیره پیشوایان دینی، همچون سیره پیامبر(صلی الله علیه و آله) بعد از فتح مکه و همچنین مدارای اهل بیت (علیهم السلام) بعنوان مصادیق متعددی از همزیستی را ذکر نماییم. بر اساس یافته‌ها، همزیستی بر مبنای فطرت استوار گشته و اصولی همچون کرامت ذاتی انسانها، حلم، سخاوت، شجاعت، عدل و آزادی حقیقی همه انسانها را دارا می‌باشد. برای دستیابی به همزیستی در آموزه‌های اسلامی روش‌های متعددی ارائه شده است: از جمله: حسن ظن، توجه به اصول مشترک انسانی و اسلامی همانند توحید، نبوت و معاد، گفتگوی مسالمت‌آمیز، احسان و نیکی به یکدیگر، تعاون و همکاری در امور اجتماعی و در نهایت اتحاد در برای دشمنان را می‌توان نام برد.

کلید واژه‌ها: همزیستی، جامعه اسلامی، اتحاد، کرامت انسانی، آزادی، قرآن کریم.

۱. استادیار جامعة المصطفی (علیه السلام) العالمیه خراسان.

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث جامعة المصطفی (علیه السلام) العالمیه خراسان.

مقدمه

انسان‌ها موجودات اجتماعی هستند و می‌خواهند باهم زندگی کند؛ بنابراین در زندگی اجتماعی ملزم به رعایت اموری می‌باشند تا زندگی اجتماعی پایدار باقی بماند که از آن‌ها تعبیر به حقوق می‌شود و نتیجه آن همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه خواهد بود و در صورتی که این حقوق رعایت نشود، جامعه ناامن خواهد بود. در جوامع امروز با عقاید و باورهای گوناگونی سروکار داریم که می‌تواند منشأ اختلافات و پراکندگی میان پیروان و باورمندان به این مذاهب باشد. اسلام بنا بر اهمیت همزیستی با پیروان مذاهب اصولی را وضع کرده که عمل آن‌ها آسان و نتیجه‌بخش است. نمونه کامل و واضح آن سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جامعه‌ای زندگی می‌کردند که تمام افراد نه فقط کفار بودند؛ بلکه دشمن پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم بودند؛ اما روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) با ایشان این‌طور بود که با وجود این دشمنی و عداوت و جهالت این‌ها به پیامبر احترام می‌گذاشتند. این سیرت پیامبر ایشان فقط برای پیامبر و ائمه (علیهم السلام) نیست؛ بلکه برای تمام مسلمان‌ها است و مسلمانان در جامعه باید طوری زندگی کند که به فرموده امام علی (علیه السلام) اگر در یک جامع تعداد مردم ده هزار نفر باشد، بهترین افراد جامع از لحاظ علم و حلم و شجاعت و بردباری ... شیعه ما هستند.

از سوی دیگر شاهدیم که جامعه اسلامی امروز دچار تفرقه شده است و لازم است اقدامی شود که همزیستی در جامعه اسلامی ایجاد شود. همزیستی این است که شیعه و سنی باهم زندگی کنند و از قدرت‌های خارجی که هدف ایشان حمله بر اسلام است، دفاع کنند. دشمن را بشناسند تا در جامعه اسلامی رخنه ایجاد نشود. جهت برقراری همزیستی بین مذاهب لازم است تا اصول حاکم بر این همزیستی لحاظ شده و با روش‌های درخور فطرت انسانی و متناسب با قوانین اسلامی این همزیستی اجرایی و نهادینه شود. این تحقیق در پی آن است که مبانی، اصول و روش‌های حاکم بر همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب را با رویکرد توصیفی و تحلیلی و استفاده از آموزه‌های اسلامی به شیوه گردآوری کتابخانه‌ای تبیین نماید.

۱. اهمیت و جایگاه همزیستی در اسلام

بعضی متفکران غرب گمان کرده‌اند اسلام همواره جنگ می‌خواهد؛ "کارل بروکلان" مؤلف کتاب تاریخ ملل اسلامی و "می‌شوند کولی" مؤلف کتاب بحث از آئین راستین بر این باور است که اسلام به‌زور شمشیر ترویج شده است؛ (صلح جهانی و همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه مذاهب پنجگانه. سترگ، ۱۳۹۶ش، ص ۱۴۴) درحالی‌که می‌دانیم شمشیر می‌تواند تسلط ایجاد کند؛ اما نمی‌داند دل‌ها را فتح کند. دل‌ها فقط با احترام چه احترام عقیده‌ای باشد چه احترام فرد باشد فتح می‌شوند. در جامعه اسلامی افراد پیروان مذاهب مختلف زندگی می‌کنند و اسلام حکم مدارا به همه افراد چه از فرقه‌های اسلامی باشد چه از ادیان آسمانی باشد چه از کفار و مشرکین باشد داده است و دستور برای تمام افراد جامعه یکی است. (اسلام و گونه همزیستی با نا همکیشان. سیاح، ۱۳۸۸ش، ص ۳۷)

یکی از معجزات اسلام همزیستی است و این همزیستی بود که باعث ترویج اسلام شده است. همزیستی آشتی با دیگران است و عموماً این واژه جایی تحقق می‌یابد که دیگران از لحاظ عقیده جدا باشند. اسلام در این باره دستورات خاصی را ارائه کرده است. اسلام فقط نام یک عقیده نیست؛ بلکه اسلام نام یک نظام است که شامل حقوق و اخلاق است تا روابط مسلمانان با خود، خدا و دیگران را تنظیم کند چه با یک ملت باشد یا یک کشور.

اسلام برای سلامتی است؛ اما فقط برای سلامتی عقاید نیامده؛ بلکه بدنی روحی و اخلاقی سلامتی را هم نگه می‌دارد؛ زیرا مقصد اسلام به کمال رساندن انسان است و کمال فقط این نیست که انسان چند تا چیز را اختراع می‌کند یا به ماه برسد؛ بلکه کمال این است که انسان چه مفلس باشد یا پولدار نزد مردم قابل احترام باشد کسی او را تحقیر نکند. صلح امام حسن (ع) و شهادت امام حسین (ع) برای اسلام و کمال انسان بوده یعنی برای جلوگیری انسان‌ها از پستی‌ها بوده است.

در تمام جنگ‌هایی که مشرکین علیه پیامبر (ص) به راه انداختند، هدف کفار ریشه کندن اسلام بود. با عناد و دشمنی که کفار مکه با مسلمانان داشتند، پیامبر اسلام (ص) هیچ موقع با کفار مکه با سختی برخورد نکرد تا نشان داده شود که تمام جنگ‌ها و فسادها از طرف کفار بود و اسلام صلح‌دوست است و جنگ طلب نیست. هنگام فتح مکه تعداد مسلمانان ده هزار نفر بود و کفار در مقابل با مسلمانان نیرویی نداشتند. پیامبر (ص)

بدون در نظر داشت سابقه ننگین مشرکان مکه، در این فتح عظیم دستور داد تمام کفار نمایشان‌اند. حتی ابوسفیان که بدترین دشمن اسلام بود، خانه‌اش را هم جای امنی قرار دادند و فرمود کسی که به خانه ابوسفیان برود، در پناه است. و همچنین پیامبر اسلام ۶ در این مقام فرمودند: «الیوم یوم المرحمة؛ (زندگانی محمد پیامبر اسلام، رسولی، ۱۳۷۵ش، جلد ۴، ص ۲۹) امروز روز رحمت است.»

از سوی دیگر همزیستی برای سلامت روانی انسان خیلی مهم است؛ چراکه جامعه از بغض و کینه خالی خواهد شد و روح انسان بغض و کینه نمی‌خواهد؛ بلکه آرام و سکون می‌خواهد. در مقابل عدم همزیستی باعث ایجاد بیماری روانی انسان می‌شود. سازمان جهانی بهداشت ده بیماری را ذکر کرده که بیشتر افراد جهان در آن مبتلا هستند و در آن پنج بیماری به سبب روان انسان است. (سلامت روانی/ اجتماعی و راهکارهای بهبودی آن. نوربالا، ۱۳۹۰ش) روان انسان هم برای خود انسان و هم برای جامعه خیلی مهم است. در جامعه مردم باید از اضطراب و ترس آزاد باشند تا همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه ایجاد شود. انسان وقتی می‌بیند در جامعه موقعیتی برای پیشرفت در زندگی ندارد و او را به علت عقیده‌اش یا به علت رنگ و نژادش راه برای رفتن جلوتر در زندگی نمی‌دهند، نتیجه‌اش اضطراب است. انسان مضطرب نمی‌تواند یک عضو فعال جامعه می‌شود؛ اولین گام مضطرب بودن است، بعد افسردگی در درون ایجاد می‌شود. این افسردگی باعث ایجاد بدی‌ها در زندگی انسان می‌شود. انسان دیگران را دشمن خود حساب می‌کند. جامعه‌ای که افراد یکدیگر را دشمن به شمار می‌آورند، هرگز امنیت ندارد و هرگز همزیستی مسالمت‌آمیز در آن جامعه ایجاد نخواهد شد و مردم دچار مسائل روانی خواهند شد. برای سلامتی روانی انسان در جامعه تمام انسان باید از یک نگاه دیده می‌شوند.

انسان از لحاظ روانی حسن خلق، احترام و شایستگی را دوست دارد و می‌خواهد در هر بعد زندگی این شایستگی را داشته باشد از شروع تاریخ انسان تا امروز انسان همواره دنبال همزیستی در جامعه است و تمام ادیان برای برقراری همزیستی در جامعه دستور داد؛ اما قبل از اسلام بنا بر تحریف شدن ادیان مردم مثل یک ملت زندگی نمی‌کردند رنگ، نژاد و مذهب مانع همزیستی در جامعه بودند؛ چون محترم بودن در جامعه در روان همه انسان‌ها است این تمام خرافات را اسلام از میان مردم برداشت. انسان وقتی با دیگران رابطه ایجاد می‌کند، اگر دیگران را هم مثل خود حساب کند که فلسفه برخورد

اسلام با دیگران همین است. این ارتباط مثبت بر روان انسان تأثیر دارد. خداوند وقتی انبیاء را برای تبلیغ فرستاد، فطرت و روان انسان را در نظر گرفت. انسان برای تحفظ درونی می‌خواهد یک معبود را پرستش کند: «ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله» (زمر/۱۴) اگر شما از ایشان سؤال کنید زمین و آسمان را چه کسی خلق کرد حتماً خواهند گفت الله.

پس خداوند انبیاء را فرستاد تا مردم را به‌طرف معبود حق دعوت کنند و دوم روان درون انسان عدالت می‌خواهد. انبیاء دستور به عدالت دادند. اگر روان انسان دنبال شود و سلامت روان انسان در نظر باشد، همزیستی در جامعه ایجاد خواهد شد.

۲. نگاه قرآن به همزیستی

همزیستی مسالمت‌آمیز یک گوهر والا در اسلام است و آیات زیادی به‌وضوح در کتاب مبین درباره آن آمده است. اختلافات مذهبی و جدال به علت باورهای مختلف عقیدتی در قرآن منع شده است. انتقام‌جویی و عداوت در بین پیروان مذاهب مختلف نیز ممنوع شده است و رفتار هتک‌آمیز یک رفتار غیردینی قرار داده شده است. قرآن کریم برای آماده‌سازی همزیستی در جامعه می‌فرماید: اختلافات مذهبی و جدال به علت مختلف بودن مذاهب هیچ مفهومی ندارد. عداوت و مخالفت در پیروان مذاهب و عدم تکریم به یکدیگر رفتار اسلامی نیست؛ بلکه روش یهود و نصارا است؛ چرا که ایشان یکدیگر را کافر می‌خواندند، تمسخر می‌کردند، تحمل یکدیگر را نداشتند، یکدیگر را اهان‌ت کرده و همیشه دنبال بهانه جنگ بودند؛ اما قرآن این روش را قبول ندارد و برای همزیستی شیوه‌های مختلف را ارائه کرده است:

۱-۲ اختیار در اعتقاد و اندیشه

اولین راه همزیستی در جامعه که قرآن کریم مطرح کرده است، اختیار مردم در اعتقاد است. از نگاه قرآن کسی حق ندارد دیگران را درباره عقیده‌اش مجبور کند. خداوند برای هدایت مردم صد و بیست و چهار هزار پیامبر فرستاد. چون می‌خواست تمام مردم هدایت شوند؛ اما کسی را حق اجبار به مردم نداد. خداوند می‌فرماید: «ولو شاء ربك لآمن من في الارض كلهم أفأنت تكبره الناس حتى يكون مؤمنين» اگر خداوند می‌خواست

تمام اهل زمین مؤمن می‌شدند تو می‌خواهی مردم را مجبور کنی که مومن و خداپرست شوند؟ (یونس/۹۹)

بزرگ‌ترین آفت در جامعه همین مجبور کردن دیگران برای رها کردن عقیده ایشان است که قرآن کریم آن را ممنوع قرار داده است. بعضی افراد با نرمی این کار می‌کنند و بعضی‌ها به‌زور دیگران را مجبور به قبول عقیده می‌کنند. قرآن کریم این‌ها را هم منع کرده است: «و لو شاء الله ما اشركوا اما جعلنكم عليهم حفيظا و ما انت عليهم بوكيل؛ اگر خواست خدا بود هیچ کس مشرک نبود شما را محافظ ایشان قرار ندادیم و نه شما وکیل ایشان هستی» (انعام/۱۰۷)

۲-۲. دقت در اصول مشترک

اسلام دینی است که از آغاز مردم را برای همزیستی مسالمت‌آمیز فرامی‌خواند. برای اهل کتاب این روش این‌طور است: «قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئا ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقلوا شاهد بانا مسلمون» بگو ای اهل کتاب بیایید بین من و شما کلمه حق که مشترک است را پیروی کنیم که غیر از خدا کسی را عبادت نمی‌کنیم با خدا شریک قرار ندهیم و بعضی را پروردگار ما قرار ندهیم اگر از حق روی گردانند بگو شاهد باشید من دستور خدا را تسلیم می‌کنم» (آل عمران/۶۴)

همچنین در دین اسلام نیز اصول تمام مذاهب مشترک است. خدا و قبله و پیامبر همه یکی. وقتی اسلام حکم همزیستی با اهل کتاب را می‌دهد در جامعه اسلامی که همه مسلمان هستند این دستور به درجه‌ی اتم اجرا می‌شود. در این آیات اسلام دستور می‌دهد که اگر مخالف در تمام اهداف شما به شما تعاون نمی‌کند، با او در رابطه با مشترکات صحبت کنید و بنابراین امور مشترک با او همزیستی برقرار کنید.

۲-۳. نفی قومیت

اسلام تحت هیچ عنوان قوم‌پرستی را قبول نمی‌کند. تمام انسان اولاد حضرت آدم‌اند. چون اولاد یک نفرند. لهذا قوم‌پرستی امکان ندارد. فضیلت داشتن قومیت را عقل هم قبول نمی‌کند؛ چون اصل هر انسان یکی است اگر اسلام چیزی را برای کسی معیار فضیلت قرارداد او تقوا است: «يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقاكم؛ ای مردم ما شما از یک مرد و یک زن خلق

کردیم و در اقوام و قبائل قراردادیم تا شناخته شوید گرامی‌ترین از شما باتقواترین از شما است» (حجرات/۱۳)

قومیت پرستی عدم تکریم انسانیت است و در جامعه خلل ایجاد می‌کند. قرآن قوم و قبیله پرستی را با شدت ممنوع کرد در این آیه که قرآن کریم گفت: «یا ایها الناس» یعنی مخاطب قرآن قبیله یا قوم خاص نبود؛ بلکه تمام انسانیت مراد است یا بعضی آیات می‌گوید «یا بنی آدم» یعنی قرآن تمام انسان‌ها را مساوی خیال می‌کند و قائل به برتری کسی نیست جز اینکه کسی تقوا داشته باشد.

۴-۲. صحبت‌های صلح و آشتی

قرآن کریم حکم می‌دهد که گفتگو باید مسالمت‌آمیز باشد. خداوند می‌فرماید: «ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا و قولوا امنا بالذی انزل الینا و انزل الیکم و الہنا و الہکم واحد ونحن لہ مسلمون» با اهل کتاب علاوه از نیکو ترین طریق مباحثه نکنید جز ظالمین و بگوئید ما بر آن که بر مانازل شد ایمان می‌آوریم و بر آن که بر شما نازل شد امان می‌آوریم معبود ما و معبود شما یکی است اما تسلیم به فرمان او هستیم» (عنکبوت/۴۶)

خداوند اینجا دستور به مدارای در گفتگو را داد؛ چون آن‌ها در چند چیز با مسلمانان اشتراک دارند و آیات الهی را گوش کرده بودند. لهذا صحبت با آن‌ها باید با ملاحظت باشد. در جامعه اسلامی مسلمان پیرو هر مذهب و فرقه‌ای که باشد، بالاخره مسلمان است. امت محمد مصطفی (ص) است، لهذا برای همزیستی باید گفتگو محترمانه باشد. اسلام حتی افرادی که اصلا خدا را قبول ندارند و شرک می‌کند، درباره ایشان هم گفت که با ایشان مدارا کنید، فحش ندهید: «ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم؛ آن‌ها غیر از خدا کسی را که می‌خواند فحش ندهید و گرنه آن‌ها بنابر دشمنی و جهالت خدا را فحش می‌دهند» (انعام/۱۰۸)

۵-۲. تعاون با دیگران

تعاون یک احتیاج جامعه ای و معاشرتی است. حیات جامعه و سیستم بین‌المللی بدون همراهی و کمک زمینه سیاسی و اقتصادی و معاشرتی امکان‌پذیر نیست. برای از بین بردن گرفتاری‌ها در جامعه تعاون با یکدیگر ناگزیر است. لهذا قرآن کریم این احتیاج انسان را در نظر گرفت و دستور به تعاون یکدیگر را داد. خداوند می‌فرماید: «تعاونوا علی

البر والتقوا ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان» (مائده: ۲) تقوا اعم است و شامل تمام خوبیهای جامعه می‌شود. این جا تعاون به معنای هر کوششی که جلوگیری ایجاد رخنه و رابطه برای ایجاد کردن اخوت بین اقوام عالم است و همین اراده خدا و حکم خدا است و این از این ثابت است که خداوند در تمام کارهای که موجب گناه متعدی هستند را منع کرد؛ چون ظلم و گناه همیشه باعث فساد در جامعه است.

۳. همزیستی در سیره اهل بیت:

همزیستی در یک اصطلاح به لحاظ معنایی به مدارا خیلی نزدیک است. مدارا به معنای شفقت و نوازش است؛ یعنی اگر طرف با سختی برخورد کند، جوابش باید با ملایمت داده شود و تا وقتی که ممکن باشد جواب سختی با سختی داده نشود. مدهانه هم جواب سختی را به نرمی می‌گویند، اما با یک فرق که مدارا برای دفاع اسلام و برای همزیستی در جامعه و اصلاح طرف است و منافع شخصی در این درکار نیست؛ اما اگر منظور از این نرمی منافع شخصی باشد یا به رسیدن به آرزوهای درونی باشد این مدهانه است. (احیاء علوم الدین غزالی، ۱۳۹۰ ش، جلد ۵، ص ۱۸۴)

مدارا با مردم حتی مدارا با مخالفان نه تنها روش پیامبر اسلام (ص) است؛ بلکه دستور خداوند هم است. امام باقر (ع) فرمودند:

خداوند به موسی دستور داد ای موسی رازهای پوشیده را در دل مخفی بدار.
برای دشمنان خودت و برای دشمنان من مدارا کن و رازها را ظاهر نکن
و گرنه در دشنام‌های دشمنان خودت و دشمنان من شریک هستی (الکافی
کلینی، ۱۳۸۷ ش، جلد ۲، ص ۱۱۶)

در اسلام درباره مدارا خیلی تأکید شده است. روش پیامبر اسلام (ص) با مخالفان روش دشمنان نبود. برخورد پیامبر (ص) با مخالفان مبنی بر هدایت به سوی سعادت و کمال و برای تبلیغ دین بود؛ لهذا رفتار پیامبر (ص) رحمت، محبت و شفقت بود. (بررسی و تحلیل سیره سیاسی پیامبر با تأکید بر رفتار دشمنان. بیگی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۱) پیامبر اسلام (ص) فرمودند: خدا من را به انجام واجبات دستور داد، همین طور به مدارا به مردم هم دستور داده است. (الکافی. کلینی، ۱۳۸۷ ش، جلد ۲، ص ۱۱) پیامبر اسلام (ص) در تمام زندگی با دو نوع مخالفین برخورد کردند:

اول کسانی که علناً جزو مخالفین بودند اعم از اهل کتاب (یهود و مسیحیان) و کفار و مشرکین؛ که خداوند آن‌ها را بدترین دشمن اسلام به حساب آورد: «لتجدن اشدن الناس عداوة للذين امنوا اليهود والذين اشركوا» (مائده/۸۲) بی شک سخت‌ترین افراد از لحاظ دشمنی برای مؤمنین یهود و مشرکین درک خواهید کرد.

دوم، منافقین بودند از اولین روز که اسلام در مدینه آمد، منافقان هم در گروه مسلمانان داخل شدند. منافقین بین مسلمانان سرایت کرده و همواره ضربه بر عقاید ایشان می‌زدند. منظور ایشان ایجاد خوف از ترس بین صف‌های مسلمانان بود. پیامبر همیشه با کفار و مشرکین مدارا می‌کردند و همین مدارا بود که ایشان را به طرف اسلام جلب کرد. افرادی که از یهود و منافقین بودند و علیه پیامبر (ص) اقدام می‌کردند. پیامبر (ص) تا حدی که ممکن بود با ایشان با نوازش و مدارا رفتار می‌کرد و با ایشان عهد و پیمان هم می‌بستند. هدف پیشوایان دینی: از مدارا جاذبیت ایجاد کردن برای اسلام بود و این باعث انقلاب درونی می‌شد. خداوند متعال این روش را بزرگ‌ترین روش برای تبلیغ اسلام قرار داده است. خداوند متعال می‌فرماید: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعفوا عنهم واستغفر لهم» این رحمت خدا است که مهربان هستی اگر سخت دل بودی مردم مردم از اطراف شما پراکنده می‌شدند پس از ایشان گذشت کن و برای ایشان مغفرت بخواه (آل عمران: ۱۵۹).

برخورد ائمه (ع)؛ با مخالفین نیز اهمیت همزیستی در جامعه را روشن می‌کند. بعد از وفات پیامبر (ص) بلافاصله کوشش شروع شد که این همزیستی بین مسلمانان باید از بین برود و اگر این تحقق می‌یافت، اسلام هم اگر از بین نمی‌رفت، حداقل کم‌رنگ می‌شد. در آن زمان دفاع از اسلام همین دفاع همزیستی بود. امام علی (ع) با کمال صبر و استقامت اسلام و جامعه اسلامی را دفاع کرد؛ اما روش امام علی (ع) روش چاپلوسانه نبود. خطبه شقشقیه امیرالمومنین (ع) شاهد این امر است: «به خدا سوگند شخص فلانی که ردای خلافت را پوشاند می‌دانست که حق من است» (نهج البلاغه: خطبه ۳)

منظور از کوشش این بود که در جامعه حرجی ایجاد نشود و همزیستی در خطر نیفتد. امام علی (ع) فرمود: این گروه از سر نارضایتی حکومت من با یکدیگر متحد شد و من تا موقعی که در جامعه احساس خطر نکنم، صبر خواهم کرد؛ (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۹) یعنی در جامعه اسلامی برای همزیستی تا موقعی باید صبر کرد که کار دیگران در جامعه به ایجاد فساد نرسد و هیچ راه برای همزیستی مسالمت‌آمیز باقی نمی‌ماند.

۴. مبانی همزیستی

همزیستی مبتنی بر فطرت انسان است. همزیستی هم در فطرت انسان است. انسان فطرتاً تنهائی پسند نیست. همین‌طور فطرت انسان مبتنی بر رحم و محبت و صلح‌دوستی هم است. مطلوب هر انسان چه مسلم باشد یا غیر مسلم، جامعه‌ای است که استوار بر محبت و آشتی باشد. جامعه‌ای که افراد آن با اخوت زندگی کنند؛ چون این خواسته‌ها از درون انسان است، مقصد بعثت انبیاء هم ساختن یک جامعه بود که آن تمام خصوصیات را دارا باشد. اسلام علی‌الخصوص بر این موضوع بحث می‌کند. کسی از امام صادق(ع) درباره دوستی و دشمنی پرسید امام فرمود: «هل الايمان الا الحب والبغض»؛ (بحارالانوار، مجلسی، ۱۳۸۶ش، جلد ۹، ص ۴۲۱) آیا ایمان غیر از دوستی و دشمنی هم است؟»

همزیستی فطرت انسان است و اسلام برای قیام همزیستی یک آئین کامل است و چیزی که در این همزیستی مانع است، دوری انسان از فطرت است.

اینکه بعضی جاها می‌بینیم که عقاید دینی مانع از همزیستی می‌شوند؛ آنجا هم مانع عقاید دینی نیستند؛ بلکه مانع تعلیماتی هستند که بنام دین هستند اما مردم را به بی‌دینی و ظلم وادار می‌کند این‌ها با دین ربطی ندارند. هیچ چیز مثل فطرت انسان همزیستی طلب نیست. تمام ادیان آسمانی و تمام قوانین جهانی مطابق فطرت انسان آمده‌اند. تقاضای دین برای همزیستی تقاضاء فطرت انسان است. انسانهایی که ظاهراً بی‌دین هستند نیز همزیستی را آن‌ها هم قائل‌اند؛ چون فطرت ایشان بر این باور است؛ اما جهالت انسان مانع انسان است که بر فطرت خویش عمل کند. اسلام و علی‌الخصوص سیرت ائمه: انسان را جرأت می‌دهد که انسان بنابر دستورات فطرت اقدام کند و سلامتی جامعه را حفظ کند.

۵. اصول همزیستی

۵-۱. کرامت

کرامت انسان به دو قسمت تقسیم می‌شود:

- ۱- کرامت ذاتی: این کرامتی است که خداوند به انسان عطای می‌کند و این از طرف خدا است: «لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر» (الاسراء/۷۰).

۲- کرامت اکتسابی: کرامت اکتسابی کرامتی است که انسان خود کسب می‌کند و انسان با تقوا و اعمال خودش را به این مقام می‌رسانند: «ان اکرمکم عند الله اتقکم» (حجرات/۱۳) ارزش‌ترین بین شما کسی است که با تقوا ترین بین شما است انسان با تقوا او را کسب می‌کند این کرامت منوط به تقوا و اعمال صالح است.

۲-۵. سخاوت

سخاوت برای قیام هم‌زیستی در جامعه خیلی لازم است. در روایات آمده است که امام جواد(ع) هر روز هزار درهم بین مردم تقسیم می‌کردند. (زندگانی امام جواد . اصفهانی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۴۰) اینطور نبود که بخشش امام جواد(ع) فقط برای پیروان خودشان بود؛ بلکه سخاوت امام برای همه بود، چه مخالف باشد چه موافق. روش همه ائمه ما: همین بود. در جامعه‌ای که مسلمان با افراد پیروان مذاهب گوناگون زندگی می‌کند؛ سخاوت و بخشش لازم است. اینجا یک توهم در ذهن می‌آید که اگر با کفار سخاوت کنیم، این دشمنی با اسلام است چون کمک به کفر و تقویت دادن کفر جائز نیست. در پاسخ عرض شود که کمک به کفر و کمک به کافر فرق دارد. کمک به کفر معنایش این است که روش انسان طوری باشد که کفر تقویت شود و عقاید کفرآمیز تقویت شوند و این روش بلا شبهه حرام است؛ اما کمک به کافر کمک به یک انسان است. از این دو فایده به دست می‌آید: اول اینکه چون بر او احسان شده است بر علیه مسلمانان اقدام نمی‌کند و ثانيا شاید این روش باعث شود که او طرف اسلام جلب شود علاوه از این سخاوت باعث رشد اقتصاد جامعه می‌شود.

۳-۵ شجاعت

معنای شجاعت یعنی دفاع کردن کسی از ظلم، انسانی که مبارزه با نفس اماره پیروز نشود و نمی‌تواند خودش را از ظلم نفس اماره دفاع کند. چه طور ممکن است دیگران را دفاع کند؛ بنابراین پیامبر(ص) جهاد با نفس را جهاد اکبر قرار داد. پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «مرحبا بقوم فبضوا الجهاد الاصغر و بقی علیهم الجهاد الاکبر قیل یا رسول الله و ما الجهاد الاکبر قال جهاد النفس»

منظور ما شجاعتی است که جامعه را عوض کند و این شجاعت فقط موقعی بدست می‌آید که روح پر از ایمان باشد؛ چون باطل از یک سو حمله نمی‌کند؛ لهذا برای مقابله

با باطل فقط بدن شجاع کافی نیست؛ بلکه همراه با بدن روح هم باید شجاع باشد و شجاعت روحی و درونی بدون تقوا امکان ندارد.

۴-۵. عدل

یکی از اصول هم‌زیستی عدل است. عدل یعنی گذاشتن چیزی در جاء خودش: **العدل یضع الامور مواضعها** (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ۱۳۹۳ش، حکمت ۴۳۷) امروز دشمنان انسانیت عقائدی را در بین مردم رایج کردند که باعث از بین رفتن عدالت از جامعه هستند. در حالیکه لازم‌ترین عنصر برای بقای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه عدل است و اولین خواست فطرت انسان است. بدیهی است دو انسان که از هر لحاظ باهم برابر هستند، به صورت برابری مقایسه می‌شوند. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: **«اول العدل الآخره لا یعرف فیها غنی ولا فقیر» (مستدرک الوسائل . نوری، ۱۴۰۸ش، جلد ۲، ص ۴۷۶)** اولین عدالت در آخرت است جائیکه فقیر و غنی شناخته نمی‌شوند. «نتیجه آنکه عدل آن است که ارزش هر چیز دیده شود و جایگاه هر چیز ملاحظه شود». (عدل الهی . مطهری، ۱۳۹۱ش، ص ۵۴)

۶. روش‌های هم‌زیستی

۱-۶. حسن ظن

ظن به معنای گمان است و گمان همیشه بین درست و نادرست است؛ چون هیچ طرف یقین نیست، بنابراین اسلام دستور به حسن ظن داد و اخلاق اسلامی مبنای تعاملات در جامعه است و بهترین گونه تعامل، حسن ظن به دیگران است (سبحانی نیا، ۱۳۹۶ش، ص ۲۴۴) حسن ظن کلید رابطه خوبی است. انسان دو نوع رابطه دارد: یکی به خداوند و دیگری به مردم اسلام در هر دو رابطه حکم خوش گمانی را داده است. برای هم‌زیستی در جامعه و برای داشتن رابطه خوب با دیگران حسن ظن لازم است. در احادیث هم آمده است که با مسلمانان بنا بر خوش گمانی رفتار کنیم. امام علی (ع) فرمودند: **«ضع امر أخیک أحسنه حتی یأتیک منه ما یغلبک و لا تظنن بکلمه خرجت من أخیک سوء و أنت تجد لها فی الخیر محملاً» (امالی . صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۴۸۳/۳۸۰)** کار برادر را با روش خوب تفسیر کن تا موقعی که راه

تفسیر را برای تو ببندد برادرت که حرف می زند تا وقتی که می توانی توجیه خوب کنی بد گمان نشو.»

حسن ظن یعنی طرف خطا کرده باشد و انسان بجای فتوا دادن برعلیه او یک بهانه از طرف او درست کند که شاید این کار یا این خطا را عمدا نکرده باشد و علت این کار شاید این و آن باشد. این روش باعث ایجاد محبت بین افراد جامعه خواهد شد. در حدیث آمده است: «**من حسن ظنه بالناس حاز منهم المحبة؛ (غررالحکم . آمدی، ۱۴۱۰ق، حدیث ۸۸۴۲)** کسی که به مردم حسن ظن داشته باشد محبت مردم را برای خود جلب می کند.» حسن ظن یک اخلاق بی بدیل به شمار می آید و برای ایجاد وحدت و همزیستی در جامعه جایگاه مهمی دارد.

۲-۶. توجه به اصول مشترک

برای برقراری همزیستی در جامعه توجه به این اصول مشترک کافی است. اصولی که بین تمام مذاهب اسلامی مشترک اند عبارت اند از: توحید، نبوت و معاد. این اشتراک در اصول اسلامی سبب وحدت بین مسلمانان می شود. مسلمان شیعه باشد، حنفی باشد، مالکی باشد، شافعی باشد، اصلا فرق نمی کند. وقتی ایمان به خدا و رسول و روز جزاء و سزا عقیده همه ما است این دشمن است که ایجاد تفرقه میکند؛ وگرنه هیچ مذهب اسلامی با مذاهب دیگر کار ندارد؛ چون فقط چند چیز جزئی هستند که مسلمان جدا دارند وگرنه اصلا بین عقاید اسلامی مشترکات زیاد اند.

۳-۶. گفتگوی مسالمت آمیز

گفت گو جزو فطرت انسان است. انسان مخلوقی معاشرتی است. گفتگو فقط رساندن افکار خود به دیگران نیست؛ بلکه یک اشتراک ذهنی در جامعه ایجاد می کند. گفتگوی مسالمت آمیز یک راه در جامعه برای رسیدن به کمالات ایجاد می کند و اگر گفتگو واقعی نباشد راه نابودی را ایجاد می کند. گفتگوی ائمه : همراه با اخلاص و دور از تعصب بوده است؛ حتی اگر پیشوایان ما با دشمن صحبت می کردند، گفتگوی ایشان خالی از دشمنی و عناد می بود. وقتی موسی می خواست با فرعون صحبت کند، فرعون بدترین و توانا ترین انسان جهان بود. موسی برای مواجهه با فرعون از خداوند لشکر نخواست؛ بلکه هارون را برای همراهی طلبید تا با فرعون با فصاحت و بلاغت صحبت کند؛ چون موسی

می دانست تبلیغ فقط با گفتگوی مسالمت‌آمیز ممکن است نه از راه جنگ و جدال: «ثم أرسلنا موسى و أخاه هارون بآياتنا و سلطان مبين» (مومنون/۴۵) موسی و برادرش هارون را فرستادیم با آیات خود و دلائل روشن.

۴-۶. احسان و نیکی به یکدیگر

انسان فطرتا احسان و نیکی را دوست دارد. قوانین اسلام درباره احسان بنا بر فطرت انسان اند. چون انسان فطرتا همدرد، دلسوز و مهربان است. احسان یک عامل قدرت بخش در جامعه اسلامی برای هم‌زیستی بین مذاهب مختلف اسلامی است. احسان احساس کردن مشکلات دیگران است و جامعه را به‌طرف خوشبختی می کشد. امام حسن(ع) فرمودند: «المعروف مالم يتقدمه مطل ولم يتقبله من»؛ مسند الامام المجتبی علیه السلام عطار دی، ۱۳۷۶، ص ۷۲۷، حدیث ۸۶) احسان و نیکی آن است که قبل از آن «آیا یا اگر» نباشد و بعد از آن منت نباشد. احسان موقعی است که این انتظار که طرف مقابل در جواب هم باید نیکی کند، نداشته باشد.

پیشوایان ما روش احسان را در جامعه عملاً اجرا کردند. سیرت ایشان احسان بود. برادران حضرت یوسف(ع) بدون هیچ عداوت و دشمنی که با حضرت یوسف(ع) داشتند بر حضرت یوسف(ع) ظلم کردند. اما حضرت یوسف(ع) با ایشان با مهربانی برخورد کرد و طوری برخورد کرد گویا هیچ اتفاقی از طرف برادران یوسف برای یوسف نیافتاده بود. احسان در جامعه مثل یک ستون است. بهترین جامعه از لحاظ اقتدار انسانی، جامعه ای است که افراد آن مواظب یکدیگر باشند و نعمات کم یا زیاد به همه برسد. آغاز جوامع انسانی رفع نیاز از طریق یکدیگر بود؛ لهذا احسان و نیکی فقط مربوط به اسلام نیست؛ بلکه مربوط به انسانیت است و اسلام چون مذهب فطرت انسان است، دستورات خصوصی برای احسان داد و تقریباً صد آیه درباره احسان و نیکی در قرآن کریم آمده است. سیره ائمه الگو برای ما است، اگر در جامعه اسلامی تمام مسلمین سیره ائمه و پیشوایان ما را اختیار کنند، هم‌زیستی در جامعه ایجاد خواهد شد.

۵-۶. تعاون و همکاری در امور اجتماعی

برای ایجاد هم‌زیستی در جامعه اسلامی تعاون یک کلید بنیادی است و از نظر اسلام هم یک عبادت بزرگ است. تعاون لازمه زندگی انسان است؛ چرا که انسان یک موجودی

اجتماعی است و کسی در این عالم کامل نیست. تعاون انسان را انسان نشان می‌دهد؛ چون انسان وقتی تعاون می‌کند که درد دیگران را احساس می‌کند. زندگی پیشوایان ما پر از تعاون و همکاری با دیگران است. امام علی(ع) فرمودند: «کسی مشکل یک مؤمن را برطرف سازد، گویا تمام عمر در عبادت خدا بوده است» (وسائل الشیعه، حر عاملی، ۱۴۳۴ق، جلد ۱۱، ص ۵۷۸)

اگر تمام افراد جامعه به اندازه ظرف خود به دیگران تعاون کند، هیچ کس در جامعه محتاج و فقیر نخواهد ماند. اسلام آئین کامل است و دستور تعاون و همکاری به دیگران دلیل کامل بودن آئین دین مبین اسلام است؛ چون اموال و ثروت‌ها در اصل به جامعه تعلق دارند. (تعاون و دیگر یاری در سیره اجتماعی ائمه، نوری، ۱۳۸۴ش، ص ۳) تعاون ضرورت اجتماعی است و انسان موجودی اجتماعی. تعاون برای برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز خیلی لازم است. تعاون در جامعه خیلی تأثیر گذار است و باعث محبت بین مردم است. تعاون باعث بین بردن تعصب از جامعه است، طوری که تعصب افراد جامعه را از یکدیگر جدا می‌کند و دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند.

۶-۶. اتحاد در برابر دشمنان اسلام

اتحاد و وحدت بین مذاهب اسلامی راز فتح بر دشمنان است. این وحدت و اتحاد یک سپر برای جامعه اسلامی و مسلمانان است. لهذا حفظ وحدت مسلمین حفظ اسلام است. خداوند می‌فرماید: «ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم»؛ (انفال/ ۴۶) باهم اختلاف نکنید ضعیف می‌شوید و جبروت شما از بین خواهد رفت.

در این آیه خداوند سبب فتح مسلمانان بر علیه دشمن را بیان کرد و راه دفاع از دشمن را هم مطرح کرده است و آن اتحاد و دوری از اختلافات است؛ چون نزاع و اختلافات همیشه کمر شکن اند. اسلام دین سلامتی است. تروریسم و جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی یک توطئه دشمن است.

نتیجه

پژوهش حاضر به هم‌زیستی و اصول همزیستی اسلام پرداخته است تا در جامعه اسلامی همزیستی مسالمت‌آمیز ایجاد شود و اینکه افراد جامعه را از این امر آگاه کند که نه فقط هم‌زیستی در جامعه برای پیشرفت لازم است بلکه زیبایی جامعه هم در هم‌زیستی

است. اسلام تمام انسانها را یک امت واحد قرار داده است. از این امر واضح است که در اسلام همزیستی یک جایگاه خاصی دارد؛ لهذا قیام همزیستی در جامعه بر عهده همه مسلمین است.

خداوند تمام انسانها را بر یک فطرت خلق کرد. همزیستی چیزی نیست که خلاف فطرت انسان باشد. عواملی که برای همزیستی لازم است انسان آن ها را فطرتا دوست دارد. همه چیز که انسان می‌خواهد دیگران برای او در نظر بگیرند، باید برای دیگران هم رعایت کند. باید یاد داده شود که خواستن شما خواستن دیگران هم است تا در جامعه همزیستی ایجاد شود.

انسان فطرتا مدنی الطبع است از زمان قدیم تا الآن تمام توجه انسان بر تشکیل جامعه و ایجاد رابطه بین یکدیگر است؛ چون راز پیشرفت جامعه بر پیشرفت ارتباط بین مردم است و این رابطه صد در صد باید محترمانه باشد.

فهرست منابع:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، کتاب نیستان، ۱۳۹۳، چاپ ۲.
 - اصفهانی، عمادالدین حسین، زندگانی امام جواد، انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۸۹ش، چاپ ۳.
 - آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم درر الکلم، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق، چاپ ۲.
 - بیگی، حمزه خان، بررسی و تحلیل سیره سیاسی پیامبر با تأکید بر رفتار دشمنان، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۳ش.

- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه و مستدرکها*، مؤسسه النشر اسلامی، قم، ۱۴۲۴ ق، چاپ ۱.
- رسولی، هاشم، *زندگانی محمد عظیم‌امیر/اسلام*، انتشارات کتابچی، تهران، ۱۳۷۵ ش، چاپ ۵.
- سبحانی نیا . مأخوذ از مقاله خوش گمانی و حسن ظن نارینخ انتشار ۹۶/۱۰/۶
- سترگ، طاهره، *صلح جهانی و همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه مذاهب پنجگانه*، پیکران دانش، تهران، ۱۳۹۶ ش، چاپ ۱.
- سیاح، حسین، *اسلام و گونه همزیستی با نا همکیشان*، دانشگاه علوم و حدیث، ری، ۱۳۸۸ ش، شماره ۲۱
- **صدوق**، اُمالی ، ۱۳۷۶ ش
- **عطار دی** . عزیزالله . مسند الامام المجتبی علیه السلام، ۱۳۷۶ ش
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، مؤسسه علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷ ش، چاپ ۱.
- مجلسی، محمد باقر ، *بحارالانوار*، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ ش، چاپ ۴.
- مطهری، مرتضی، *آثار شهید مطهری*، ج ۱۶ ، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- نوربالا، احمد علی، *سلامت روانی اجتماعی و راهکارهای بهبودی آن*، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۰.
- نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت: لإحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ ق، چاپ ۱.

- نوری . محمدموسی . تعاون و دیگر یاری در سیره اجتماعی ائمه
۱۳۸۴ش